

گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی

صیاد خردمند کاری^۱، علیرضا اوحدی نیا^۲

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.

نام نویسنده مسئول:

صیاد خردمند کاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

چکیده

با تغییرات شدید که در الگوهای ارتباطی به مدد تحولات ساختار اجتماعی و اقتصادی و تغییرات ارزشی ناشی از آن، در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته، مشکلات بسیاری را همچون شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع به وجود آورده است. از میان عوامل مختلف، در این تحقیق، استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به عنوان متغیر مستقل تحقیق انتخاب و همبستگی آن با گرایش به رابطه با جنس مخالف بررسی شد. در این پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های یاسوج به عنوان جامعه آماری و دو دبیرستان دخترانه و پسرانه به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، ۸۷ درصد از جمعیت نمونه، برخوردار از گوشی‌های موبایل پیشرفته بودند که به وسیله آن، می‌توان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عضویت در آنها پرداخت. در رابطه با گرایش به ارتباط با جنس مخالف، تقریباً بیش از یک سوم جمعیت، طالب برقراری به رابطه با جنس مخالف بودند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان داد که عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف، ارتباط مثبت و نسبتاً شدیدی وجود داشت. بنابراین عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی می‌تواند یکی از عواملی باشد که باعث گرایش دانش‌آموزان به رابطه با جنس مخالف می‌شود.

واژگان کلیدی: گرایش، رابطه با جنس مخالف، شبکه‌های اجتماعی، دانش‌آموزان، دبیرستان، یاسوج.

مقدمه

خانواده همواره پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های مشخص فرهنگی و وسیله و انتقال این ویژگی‌ها به نسل‌های بعد بوده است. در طول دو سده اخیر، مطالعات در زمینه جامعه‌شناسی خانواده از تغییرات گسترده‌ای در این حوزه در طی نیم قرن اخیر در سراسر جهان حکایت دارد، تغییراتی که عوامل متعددی منجر به بروز آن‌ها شده و در عین حال پیامدهای گوناگونی برای جوامع متعدد در پی داشته است. خانواده ایرانی در جریان نوسازی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور، تحولاتی اساسی یافته است. هر نوع تغییری در جامعه و نظام اجتماعی ایران، یا به واسطه خانواده محقق می‌شود و یا جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). بعلاوه با توجه عقیده دانشی (۱۳۹۳) با تغییرات شدید که در الگوهای ارتباطی به مدد تحولات ساختار اجتماعی و اقتصادی و تغییرات ارزشی ناشی از آن، در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته، مشکلات بسیاری را به وجود آورده است. یکی از تغییرات و مشکلات مذکور، شیوع روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع بوده است. روابط جنسی پیش از ازدواج، پدیده‌ای است که بیشتر با فرهنگ و حوزه زندگی خصوصی افراد آمیخته است تا حوزه عمومی و همگانی، ولی نمود آن در حوزه عمومی غیرقابل انکار است. با گسترش امکانات جدید ارتباطی (مانند ماهواره، اینترنت و ...) به تدریج، جامعه ایران با امواج گسترده تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه گردیده است که این تغییرات، به شدت در حال رسوخ به درون خانواده ایرانی است (ارمکی و شریفی‌ساعی، ۱۳۹۰).

ارزش‌های مربوط به خانواده حتی در مواجهه با تغییرات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی و تضاد ارزشی بین نسل‌ها و مقاومت‌های پیش رو نیز هم‌چنان گرایش به تغییرات تدریجی را در خود مشاهده می‌کند. اما در این بین، مشکلات اقتصادی، گسترش ارتباطات و برخورداری فرهنگ‌های فرهنگی ناشی از این گسترش، سبب گشته‌اند که روابط جنسی پیش از ازدواج با جنس مخالف به تدریج در میان نسل‌های جوان‌تر، جای پای خود پیدا کنند (گرمارودی، ۱۳۸۸) که این امر ناشی از مشکلات ساختاری در این حیطه می‌باشد که زمینه را برای ظهور این پدیده فرهنگی- اجتماعی جدید فراهم کرده است. تغییرات نظام ارزشی و تغییر ساختار اقتصادی ایران، به تدریج، زمینه را برای بروز الگوهای نوینی از رفتارهای جنسی در میان بخشی از جوانان ایرانی فراهم کرده است؛ شکل‌گیری ارزش‌هایی نوین و پیدایش الگوهای جدیدی از رفتار که به مثابه‌ی پاسخ‌هایی به نیازهای درونی ارضاننده‌ی آنان عمل می‌کنند. پدیده‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی دیگر در جامعه باشد (دانشی، ۱۳۹۳). در دهه اخیر روابط میان دختران و پسران جوان و نوجوانان، در کشور ما همواره به صورت یک مسئله و معضل اجتماعی مطرح بوده است. این روابط در بین دانش‌آموزان، دارای اثرات سوء رفتاری شدیدتری نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی است که نمود آن را می‌توان به روشنی در مسائلی همچون افت تحصیلی، افسردگی، احساس شکست، فرار از مدرسه، منزل و همچنین مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتن مشاهده کرد. بنابراین ارتباط و دوستی‌های قبل از ازدواج دختر و پسر، یکی از موضوعات فرهنگی و اجتماعی در جامعه ما محسوب می‌شود که تا حد زیادی می‌تواند سلامت جوانان را متأثر سازد. امروزه این مسئله در مدارس و در بین دانش‌آموزان در حال رشد بوده، و به دلیل عواقب نامطلوب آن، تبیین علل آن یکی از قدم‌های اول در امر برنامه‌ریزی برای مسائل جوانان و سلامت آنان است.

اهمیت و ضرورت مسئله مذکور، آن هنگام بیشتر درک می‌شود که بدانیم که بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، بیش از نیمی از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهد که خیل عظیمی از آنها در دوران مدرسه به سر می‌برند. غفلت از این جمعیت آینده‌ساز، و بهداشت باروری آنها، عواقب جبران‌ناپذیری را در بزرگسالی برای آنان به همراه خواهد داشت. چرا که الگوهای رفتاری مهمی که می‌توانند بر سراسر بزرگسالی آنها تأثیر بگذارد، در همین دوره سنی، روی می‌دهد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده در ایران حدود ۳۰ تا ۷۰ درصد نوجوانان به نوعی با این مسئله درگیرند (حسینی دولت‌آبادی و سعادت، ۱۳۹۱؛ گلزاری، ۱۳۸۴). در یک تحقیق گسترده که روی ۷۵ هزار نفر از نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله در سراسر کشور انجام شده است، ۴۵ درصد از نمونه‌ها عنوان کرده‌اند که مسائل جنسی فکشان را آزار می‌دهد و ۳۵ درصد مطرح نموده‌اند که بخاطر مسائل جنسی گاهی به دردسر افتاده‌اند (حسینی دولت‌آبادی و سعادت، ۱۳۹۱، میرباقری، ۱۳۸۱). بر اساس پژوهشی که بر روی ۱۴۱۵۵۵ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ صورت گرفت نتایج نشان داد که ۱۰۵۰۴۶ دانش‌آموز یعنی ۷۴/۳ درصد دارای رابطه غیر مجاز با جنس مخالف بوده‌اند (سایت تابناک، ۱۳۹۳).

بر اساس تحقیقات مرتبط، فاکتورهای متعددی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی در روابط با جنس مخالف دخیل هستند. مطالعات انجام شده در این زمینه در سال‌های اخیر (حسینی دولت‌آبادی و سعادت، ۱۳۹۱؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۷۹؛ جوکار، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵)، مبین آن هستند که متأثر از دگرگونی‌های ساختی و اجتماعی چون گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، گسترش مکان‌های مشترک، گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی نیز به پیدایش و افزایش شکل جدیدی از روابط بین شخصی جوانان جامعه کمک کرده است که موجب تقویت گرایش و میل جوانان جامعه به داشتن روابط و معاشرت‌هایی قبل از ازدواج شده است (به نقل از دانشی، ۱۳۹۳). از میان عوامل مذکور، به نظر می‌رسد که وسایل ارتباط جمعی، همبستگی شدیدی با گرایش دانش‌آموزان به رابطه با جنس مخالف داشته باشد. چرا که جوانان به صورت عام و دانش‌آموزان به صورت خاص، به عنوان یکی از مهم‌ترین رده‌های سنی، به دلیل داشتن خصوصیات خاص دوره‌ی جوانی، حائز بیشترین ارتباط با رسانه‌های ارتباط جمعی‌اند و علی‌رغم پیامدهای مثبتی که این شبکه‌ها می‌توانند داشته باشند، به نظر می‌رسد تقابل این شبکه‌های فراملی که مطابق با عرف غربی اداره می‌شوند و هرگونه خبر، مطلب، تحلیل، عکس، ویدئو و ... در آن‌ها بدون هیچ محدودیتی منتشر می‌شود، با جامعه‌ی ایرانی که یک جامعه‌ی اسلامی و دارای آرمان‌های دینی و خاص خود است مشکلات و تناقض‌هایی را در پی داشته باشد. در زمینه استفاده کاربرانی ایرانی از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، بنا به آمار پیمایش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۹، از مجموع ۵۷,۸۵۶ کاربر اینترنت، ۱۴,۷۰۶ نفر اظهار داشته‌اند که حداقل روزی یک‌بار؛ ۱۲,۲۹۵ نفر اظهار داشته‌اند حداقل هفته‌ای یک‌بار؛ ۲۷,۱۱۲ نفر اظهار داشته‌اند حداقل ماهی یک‌بار؛ ۳,۷۳۲ نفر اظهار داشته‌اند کم‌تر از یک‌بار در ماه از اینترنت استفاده می‌کنند؛ و ۱۲ نفر نیز چیزی اظهار نکردند. نتایج مذکور حاکی از اهمیت رسانه‌های ارتباط جمعی به گونه‌ی عام و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ی خاص در بین جوانان است. در راستای انجام این پژوهش، به دلیل دغدغه محقق و تغییرات ارزشی و به تبع آن، تغییرات در الگوی رفتاری در بین جوانان شهر یاسوج که نمود آن را می‌توان در میان دانش‌آموزان دختر و پسر مشاهده کرد، جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دو دبیرستان دخترانه و پسرانه واقع در شهر یاسوج انتخاب شدند. با توجه به مطالب گفته شده، پژوهش مذکور در پی آن است که ابتدا بررسی کند که وضعیت گرایش به رابطه با جنس مخالف و استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی، چگونه است؟ و اینکه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین جامعه آماری مذکور چه رابطه‌ای وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

روابط پسر و دختر و عوامل مؤثر بر آن در پژوهش‌های گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره گردیده است. البته محوریت پژوهش‌های انتخابی متمرکز بر بخش بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش پسر و دختر به روابط قبل از ازدواج بوده و این عمل، بستر را جهت افزایش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهشی مهیا خواهد ساخت. نتایج پژوهش کوثری (۱۳۸۳) نشان داد که دانش‌آموزان دختری که با جنس مخالف خود رابطه دارند، از توجه و محبت کمتری در خانواده برخوردارند. سخت‌گیری و تعصبات در خانواده‌هایی که فرزند دانش‌آموز آن‌ها با جنس مخالف خود رابطه دارد، بیش‌تر است. یافته‌های اسدی در پژوهشی با هدف بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر از دیدگاه اسلام (۱۳۸۵)، نشان داد که ۷۳/۷ درصد از دانشجویان با سنوات تحصیلی کمتر از دو سال از نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف برخوردار بوده‌اند، در حالی که این میزان برای دانشجویان مقطع دکتری ۹۰/۹ درصد بوده و این اختلاف از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. تحقیق موسوی (۱۳۸۶)، نشان داد که که بیشتر دختران درگیر در این روابط (رابطه با جنس مخالف) از آن رضایت کامل دارند. و در نتیجه، به تبلیغ هرچه بیشتر آن در بین همسالان خود می‌پردازند. میرزایی و برغمندی (۱۳۸۹)، در پژوهشی که به بررسی رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان پرداختند، نشان دادند که بین گرایش به رسانه‌ها، نحوه استفاده از اینترنت، شرایط دوستان، گرایش به نوع حجاب، مذهبی بودن پاسخگویان و خانواده آن‌ها و گرایش به رابطه با جنس مخالف رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین دانشجویان حوزه‌های علمی گوناگون و نیز دختران و پسران در گرایش به رابطه با جنس مخالف تفاوت معنی‌داری وجود داشته است. نتایج به دست آمده از پژوهش رفاهی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که به ترتیب

عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج مؤثر بوده است. علاوه بر رابطه معناداری بین رابطه دوستی پیش از ازدواج با متغیرهای (جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل) وجود ندارد. پژوهش زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱)، نیز نشان داد که ارتباطات پیش از ازدواج بخشی از فرآیند عادی زندگی محسوب می‌گردد که می‌توان آن را با درک نیازهای طرفین به یک رابطه قراردادی و نظام‌مند تبدیل نمود و ارتباط دو جنس نه در جهت تخلیه عاطفی بلکه به منظور اهداف متعالی‌تر همچون کسب مهارت‌های ارتباطی برقرار گردد.

سالتس و همکارانش (۱۹۹۴)، در پژوهشی به منظور تبیین روابط میان نگرش به ازدواج و روابط جنسی قبل از ازدواج، دریافتند که دختران نگرش مثبت‌تری نسبت به پسران به ازدواج داشته‌اند. همچنین دختران باکره در مقایسه با دختران غیر باکره دارای چند شریک جنسی، نگرش مطلوب‌تری به ازدواج داشته‌اند و دخترانی که تنها یک شریک جنسی داشتند میان دو گروه قبلی قرار داشته‌اند. سیلوا و راس^۲ (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد رابطه خوب بین مادر و دختر همچون سپری در مقابل آغاز زودرس این نوع روابط در دختران جوان عمل می‌کند. نتایج تحقیق دیوید لوییس و همکاران^۳ (۲۰۱۲) نشان داد که در دوستی با جنس مخالف، زنان بیشتر به عوامل اقتصادی و قابلیت‌های فیزیکی توجه می‌کنند اما مردان علاوه بر موارد فوق به جذابیت‌های رابطه جنسی نیز اهمیت می‌دهند.

با توجه به تحقیقات انجام شده، این مقاله در پی آن است که ابتدا وضعیت ارتباط با جنس مخالف و سپس رابطه آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را در میان دانش‌آموزان دو دبیرستان دخترانه و پسرانه در شهر یاسوج بررسی کند، که با توجه به تحقیقات پیشین، هیچ تحقیقی در این زمینه انجام نشده است.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش ابتدا تئوری‌های مربوط به تبیین رابطه با جنس مخالف و سپس نظریات مصرف رسانه‌ای (استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی) مورد بحث قرار می‌گیرند. نظریات مربوط به رابطه دختر و پسر در دو حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از جمله نظریات مربوط به شکل‌گیری روابط می‌توان به نظریه عشق پرشور برشید و هات‌فیلد (۱۹۷۴) اشاره کرد که ریشه برقراری روابط را در عشق رمانتیک می‌بیند. به عقیده هات‌فیلد، عشق دو نوع اصلی بیشتر ندارد: عشق دلسوزانه و عشق شهوانی (پرشور). از میان بسیاری از طبقه‌بندی‌هایی که در مورد عشق ارائه شده است، انواع عشق مطرح شده به‌وسیله هات‌فیلد به عنوان یک مفهوم‌سازی معتبر از عشق بدون توجه به سن، جنس و فرهنگ در تحقیقات گسترده‌ای پذیرفته شده است (کیم و هات‌فیلد^۴، ۲۰۰۴). فروید (۱۹۹۳) یکی از اولین کسانی بود که به روابط دختر و پسر پرداخت. او به عنوان بنیان‌گذار نظریه روان‌تحلیل‌گری میل جنسی را امری طبیعی و فیزیولوژیک می‌دانست که اساس نیازهای انسانی است. او سائق جنسی ناآگاهانه را در جذب شخص جوان به سمت جنس مخالف و فعالیت‌های جنسی مؤثر می‌داند (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸). دیدگاه فروید در قالب دیدگاه‌های افراطی قرار می‌گیرد. در این نگرش هرگونه ارتباطی با جنس مخالف آزاد و بدون مانع است. فروید و پیروان وی مدعی هستند که اخلاق جنسی کهن، بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و تمام مشکلات بشر به دلیل ممنوعیت‌ها، محرومیت‌ها ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌ها است که در ضمیر باطن بشر جایگزین شده است. به عقیده مازلو، هر فرد دارای تعداد نیازهای ذاتی است که فعال‌کننده و هدایت‌کننده رفتارهای اوست. این نیازها غریزی هستند یعنی با آنها به دنیا می‌آییم، اما رفتارهایی که برای ارضای آن‌ها به کار می‌بریم، اکتسابی هستند (کریمی، ۱۳۸۴: ۱۷۲). طبق نظریه‌ی نیازهای^۵ مازلو، انسان‌ها پنج دسته نیاز دارند که عبارت است از: نیازهای جسمانی^۶ (خوراک، پوشاک، مسکن، نیازهای

¹ Salts et al

² Silva and Ross

³ David Lew

⁴ Kim and Hatfield

⁵ needs theory

⁶ Physiological needs

فیزیولوژیکی، رابطه‌ی جنسی و...؛ نیازهای ایمنی^۷ (امنیت شغلی، مالی، جانی، اخلاقی، خانوادگی و...)؛ نیازهای تعلق و عشق^۸ (نیازهای دوستی، صمیمیت، عشق، رابطه اجتماعی و...)؛ نیازهای عزت‌نفس^۹ (احترام، اعتماد، نیل به مقاصد، موفقیت، احترام متقابل و...) و نیازهای خودشکوفایی^{۱۰} (آزادی فردی و اجتماعی، اطمینان، بصیرت، صداقت، توکل، اعتماد به نفس، مهارت و...) (شولتز، ۱۳۸۴: ۳۸۷). وی برای این نیازها نوعی اولویت سلسله‌مراتبی قائل است. به این معنا که ابتدا نیازهای سطوح پایین باید ارضا شود؛ پس از آن، انسان در سطوح بالاتر احساس نیاز خواهد کرد. از نظر مازلو، نیازهای جسمانی در پایین‌ترین سطح و نیاز به خویش‌نمایی در عالی‌ترین سطح است (مازلو، ۱۳۷۲: ۱۵۰). به عبارت دیگر تا نیازهای اولیه و جسمانی در هر ارتباط برآورده نشود، تأمین دیگر نیازهای فرد امکان‌ناپذیر است. بر این اساس، نیاز جنسی را باید به مثابه نیاز اولیه در این‌گونه روابط در نظر گرفت. برآورده کردن سایر نیازها مستلزم برطرف کردن چنین نیازی است.

کولی استدلال می‌کند که خود یک شخص از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد. خود، نخست فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره خودش است. پس به هیچ عنوان نمی‌توان از خودهای جداگانه سخن به میان آورد. منظور کولی از خود آینه‌سان همان ظرفیتی است که انسان دارد تا خود خویش را به گونه‌ای بنگرد که هر پدیده اجتماعی دیگر را می‌بیند. مفهوم خود آینه‌سان کولی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: نخست این تصور که در ذهن دیگران چگونه ظاهر می‌شویم، دوم این تصور که آنها درباره ظاهر ما چه قضاوتی می‌توانند داشته باشند. سوم در نتیجه تصویری که از قضاوت دیگران درباره خود داریم، احساس از غرور یا سرافکندگی را درباره خویش می‌پرورانیم. در اندیشه کولی مفهوم خود آینه‌سان و گروه نخستین در هم بافته‌اند. حساسیت با اندیشه دیگران را تنها می‌توان در کنش‌های متقابل و نزدیک و صمیمانه گروه نخستین پرورش داد. از این رو گروه نخستین بستر رشد احساسات و عواطف انسانی است. در گروه نخستین شخص نابالغ و خودمحمور به تدریج با نیازهای و آرزوهای دیگران هم داستان می‌شود و خود را با مبادلات اجتماعی ویژه دوران بلوغ تطبیق می‌دهد (کوزر، ۱۳۸۵: ۴۱۴). همچنان که سیما، اندام و لباسمان را در آینه برانداز می‌کنیم و اگر آراسته و برازنده تشخیص دهیم خرسند می‌شویم و در غیر این‌صورت ناخرسند، در ذهن دیگران نیز به گونه‌ای تخیلی برداشتی از ظاهر، رفتار، اهداف، کردار و شخصیت‌مان داریم و به صورت گوناگون از این برداشتها متأثر می‌شویم (همان: ۴۱۵). مضمون نظریه کولی این است که ماهیت انسانی (خود)، عقیده، فکر و نگرش افراد از رهگذر تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و چنین مسائلی تا قبل از ورود به عرصه تعاملات اجتماعی وجود ندارد. اما فرد با در نظر گرفتن خواسته‌ها و انتظارات دیگران سعی در سازگار کردن خود با محیط و آماده نمودن بستر پذیرش خود است و همین قضیه باعث می‌شود که فرد بسیاری از کارها، افکار و نگرش‌هایی را که خود مایل به انجام دادن و داشتن آنها نیست انجام دهد و داشته باشد (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸). بنابراین فرد ناخواسته تحت نگرش دوستان قرار می‌گیرد.

بر اساس نظریه مرتون، به طور کلی، می‌توان گفت مرتن هرگونه تبیین فردگرایانه و روان‌شناختی در مورد مسئله انحراف را مردود می‌شمارد و آن را متأثر از ساخت جامعه می‌داند و شرایط ساختی را عامل اصلی انحرافات به شمار می‌آورد. وی یکی از عناصر اصلی ساخت جامعه را فراهم نمودن شیوه‌های استاندارد شده کنش، یعنی همان ابزارها و هنجارها برای نیل به اهداف می‌داند و عنصر اصلی دیگر را اهداف و ارزش‌های مورد قبول و پذیرفته شده جامعه می‌داند. او در صورتی یک نظام اجتماعی را متعادل می‌داند که بین این دو عنصر اصلی، تناسبی وجود داشته باشد، یعنی افراد جامعه بتوانند از طریق ابزارها و وسائل و راه‌های مشروع جامعه، به اهداف پذیرفته شده آن جامعه دست یابند که این شیوه را هم‌نوایی گویند. اما در صورتی که چنین تناسبی بین اهداف و وسائل دست‌یابی به آن وجود نداشته باشد و عده‌ای از افراد جامعه نتوانند از طریق آن ابزارهای مورد قبول جامعه، به هدف‌های پذیرفته شده جامعه برسند، احساس عدم رضایت می‌کنند و از این رو، تلاش می‌نمایند تا راه‌های نامشروع و غیر قابل قبول جامعه یعنی همان شیوه‌های انحرافی (مانند روابط جنسی پیش از ازدواج) را دنبال کنند. بنابراین می‌توان گفت بر اساس نظریه مرتن به علت عدم مهیا بودن بستر و میزان امکان ازدواج آسان برای جوانان از سوی جامعه جهت پاسخگویی به نیازهای

⁷ Safety needs

⁸ Belongingness and loved needs

⁹ Esteem needs

¹⁰ Need for self-actualization

جنسی و همچنین فشار، سختگیری و محدودیت‌های حضور در فضاهای عمومی جامعه با دوست از جنس مخالف سبب گرایش به جوانان به روابط پنهانی پیش از ازدواج و بعضاً پاسخگویی به نیازهای جنسی از طریق غیر مشروع می‌گردد.

در زمینه استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، نظریه گلوله‌ای یا سوزن تزریقی مخاطب را منفعل، رسانه را همه‌کاره، و از بین عناصر ارتباطی، تأکید بیشتری بر پیام دارد. این نظریه، با مفروض گرفتن «قدرت نامحدود پیام رسانه‌ها» و «شکندگی بالای مخاطب در برابر پیام‌های ارتباط جمعی»، تأثیر رسانه‌ها را مستقیم، فوری و قوی می‌داند (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۳۱۰). دو اصطلاح «شلیک گلوله» و «تزریق کردن آمپول» مؤید این امر است که جریان قوی و منسجم اطلاعات، که به صورت مستقیم از یک منبع قدرتمند برای مخاطب یا دریافت کننده پیام فرستاده می‌شود، بر وی تأثیر زیادی دارد. در این دیدگاه، رسانه، منبعی قدرتمند و خطرناک تلقی می‌شود، زیرا گیرنده یا مخاطب در مقابل تأثیرهای پیام، ضعیف است و چاره‌ای برای فرار از تحت تأثیر قرار گرفتن در مقابل پیام، ندارد (دادگران، ۱۳۸۵: ۶۸). بنابراین، نظریه‌ی سوزن تزریقی، از یک سو، مخاطبان را منفعل؛ و از دیگر جهت، رسانه‌های جمعی را دارای قدرت تعیین کننده دانسته و وسایل ارتباط جمعی را مانند یک سرنگ، که می‌تواند محتوای پیام خود را مثل به مخاطبان تزریق کند می‌داند.

نظریه استفاده و خشنودی ضمن رد موضع نظریه‌ی سوزن تزریقی، مبنی بر منفعل بودن مخاطبان، بر اصل انتخاب‌گری آنان تأکید کرده و به جای مطالعه‌ی نیت‌های تولیدکنندگان، به بررسی انگیزه‌های مصرف‌کنندگان رسانه‌ها پرداخته و آنان را افرادی آگاه از مصرف رسانه‌ای خویش می‌داند. «این دیدگاه به بررسی این امر می‌پردازد که مردم چگونه از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و چه نوع رضایتی را جست و جو و از رسانه دریافت می‌کنند» (راجردی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۹۳). بر طبق این نظریه، مخاطبان به سادگی نمی‌نشینند تا به صورت انفعالی، اطلاعات را دریافت کنند؛ «آن‌ها محتوای رسانه‌ها را با دانش قبلی و انتظارات خود تطبیق می‌دهند و انتظار دارند، برنامه، در نهایت باعث رضایت آنان شود» (دفلور، ۱۳۸۳: ۶۰۲؛ به نقل از رضوی‌دینانی و همکاران، ۱۳۸۹). فرض اصلی این تئوری این است که تماشاگران تلویزیون به دنبال خشنودی‌های ویژه از محتوای برنامه‌هایی هستند که می‌بینند. در این نظریه، فرد، محتوای رسانه را برای ارضای نیازهایش انتخاب می‌کند؛ «به جای این که توسط رسانه‌ها دست‌کاری شود از رسانه‌ها برای ایجاد تأثیرهایی که آن‌ها می‌خواهند، استفاده می‌کنند» (Baran & Davis, 2000: 254).

نظریه‌ی وابستگی که توسط بال روکیچ^{۱۱} و دی فلور^{۱۲} ارائه شده است؛ بر رابطه سه‌گانه‌ی رسانه‌ها، مخاطبان و جامعه تأکید داشته و حاکی از آن است که افراد، وابستگی‌های متفاوتی به رسانه‌ها دارند. این وابستگی‌ها از شخصی به شخص دیگر، از گروهی به گروه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. هر کدام از مؤلفه‌های سه‌گانه‌ی فوق، ابعادی دارند که می‌توانند موجبات افزایش یا کاهش وابستگی به رسانه‌ها و در نتیجه‌ی تأثیرپذیری از آن‌ها را فراهم آورد. نظام اجتماعی از حیث فرهنگی (مادی، ارزشی، قانونی و نمادی)، پویایی (اجماع، انطباق، تضاد و تغییر) و ساختاری (گروه‌ها، نقش‌ها، هنجارها، کنترل اجتماعی) با تحمیل محدودیت‌هایی بر نظام رسانه‌ای، تأثیر مهمی بر ویژگی‌ها، کارکردهای اطلاع‌رسانی و طرز عمل رسانه‌ها دارد (Ball-Rokeach & DE Fleur, 1976). برای مثال، بالا بودن میزان تغییرها در نظام اجتماعی، باعث افزایش عدم اطمینان در بین مردم شده و این امر به نوبه خود وابستگی آن‌ها به رسانه‌ها را افزایش می‌دهد. رسانه‌ها نیز از حیث تعداد و اهمیت کارکردهای اطلاعاتی، متفاوت هستند؛ در یک جامعه، هر چه رسانه‌ها کارکردهای متنوع و متعددتری را انجام دهند، وابستگی به آن‌ها بیشتر می‌شود (Ibid). از دید بال روکیچ و دی فلور، به موازات افزایش درجه‌ی پیچیدگی جوامع و فناوری‌های رسانه‌ای، کارکردهای انحصاری رسانه‌ها نیز افزایش می‌یابد. آن‌ها استدلال می‌کنند که هر چه وابستگی رسانه‌ای مخاطب به یک پیام خاص، شدیدتر باشد، احتمال تغییر شناخت، احساس و رفتار او تحت تأثیر آن پیام، بیشتر خواهد بود و سرانجام، میزان وابستگی مخاطبان به اطلاعات ارائه شده از سوی رسانه‌ها نیز متفاوت خواهد بود (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۴۱۴-۴۱۳). این وابستگی، تابع نظام فرهنگی-اجتماعی، عضویت گروهی افراد و ماهیت، تعداد و اهمیت کارکردهای اطلاعاتی ویژه‌ای است که نظام رسانه‌ای به اشخاص و جامعه عرضه می‌کند (Ibid).

¹¹ Ball-Rokeach, S.

¹² DE Fleur, M.

در این مقاله، با توجه به نظریات مطرح شده، فرضیه اصلی بدین شرح است: به نظر می‌رسد که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه و پسرانه در شهر یاسوج رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش که به روش‌های پیمایش و اسنادی انجام شده است، شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بوده است. از میان دبیرستان‌های واقع در شهر یاسوج، به روش تصادفی، دو دبیرستان دخترانه و پسرانه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. واحد آماری پژوهش نیز یک نفر دانش‌آموز دبیرستانی در شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بوده است. حجم نمونه پژوهش بر اساس جدول لین، ۳۸۱ مورد برآورد شد که برای افزایش دقت، به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش نیز، تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. نحوه نمونه‌گیری و گردآوری داده‌های پژوهش نیز به این صورت بود که پس از تعیین حجم نمونه بر اساس جدول لین، مبتنی بر فاکتور جنسیت، ۲۰۰ دختر و ۲۰۰ پسر انتخاب شدند. در مرحله بعد، به دبیرستان‌ها مراجعه شد و به صورت تصادفی در بین دانش‌آموزان هر مدرسه پرسشنامه توزیع گردید. به طور میانگین، هر پاسخ‌گو برای پر کردن هر پرسش‌نامه، ۹ دقیقه نیاز داشت که پژوهش‌گر در این فاصله در نزدیکی پاسخ‌گو قرار داشت تا به ابهامات و سؤالات احتمالی وی جواب دهد. فرآیند توزیع پرسش‌نامه در بازه‌های ۱۴ روزه در دی ماه و بهمن ماه سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام گردید.

در این پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. جهت بررسی متغیر وابسته (گرایش به جنس مخالف)، از پرسشنامه استاندارد دانشی (۱۳۹۳) است؛ که شامل سه بعد احساسی (با ۵ گویه)، شامل احساساتی است که موضوع گرایش در شخص بر می‌انگیزد، یعنی، موضوع ممکن است خوشایند یا ناخوشایند باشد، ایجاد خوشی و خوشحالی کند یا بر انگیزنده نفرت و انزجار باشد. شناختی (با ۵ گویه)؛ که منظور از آن، اطلاعاتی است که فرد درباره موضوع گرایش دارد. بعد رفتاری (با ۵ گویه). این بعد در تعریف گرایش، اغلب آن را نوعی آمادگی برای عمل ذکر کرده‌اند، یعنی، نگرش شخص را آماده می‌کند تا در برخورد با موضوع رفتاری از خود نشان دهد. چنانچه نگرش نسبت به موضوعی مثبت باشد. آماده است که کمک کند، ستایش کند، حمایت کند، یا پاداش دهد (کریمی، ۱۳۸۸، به نقل از دانشی، ۱۳۹۳). جهت بررسی متغیر مستقل (استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی) نیز از پرسشنامه استاندارد ولی‌نژاد (۱۳۹۴) استفاده شده است. که از ۷ سؤال استفاده شده است که وضعیت عضویت، سابقه‌ی عضویت، میزان فعالیت روزانه، و نوع فعالیت کاربران از این شبکه‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهد. در این پژوهش، جهت تعیین اعتبار صوری پرسشنامه، از نظر چند تن از اساتید روانشناسی و جامعه‌شناسی استفاده؛ و نکات اصلاحی آن‌ها در پرسشنامه لحاظ گردید. جهت بررسی پایایی گویه‌های پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد (جدول شماره ۱). پس از جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مورد نیاز استخراج آن‌ها، داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل، به نرم‌افزار SPSS انتقال داده شد. تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه گردید.

جدول شماره ۱- تعداد و ضریب پایایی گویه‌های مربوط به گرایش به جنس

متغیر	ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
گرایش دختر و پسر به رابطه قبل از ازدواج	احساس	۵	۰/۷۱
	شناخت	۵	۰/۷۶
	رفتار	۵	۰/۸۸
	کل	۱۵	۰/۸۹

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان

پاسخگویان پژوهش از ۲۰۰ دختر دبیرستانی و ۲۰۰ پسر دبیرستانی تشکیل شده بودند. میانگین سنی آنها ۱۷ سال و بیشترین فراوانی نیز برای همین ۱۷ سال بود. بر اساس نتایج تحقیق، ۴۲ درصد از دختران و ۴۷ درصد از پسران، ساکن روستاهای اطراف، و در مقابل، ۵۸ درصد از دختران و ۵۳ درصد از پسران، ساکن شهر بودند. از میان پاسخگویان، جمعاً ۸۷ درصد از آنها، برخوردار از گوشی‌های موبایل پیشرفته بودند که به وسیله آن، می‌توان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و عضویت در آنها پرداخت. که از این مقدار، ۴۴ درصد آنها دختر و ۵۶ درصد از آنها پسر بودند. با توجه به نتایج، در میان کسانی که صاحب گوشی‌های موبایل هوشمند بودند، ۸۷ درصد از آنها از اینترنت استفاده می‌کردند و در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی عضویت داشتند و تنها ۱۳ درصد از آنها از اینترنت استفاده نمی‌کردند.

جدول شماره ۲- ویژگی‌های توصیفی پاسخگویان

استفاده از اینترنت		برخورداری از موبایل				محل سکونت				دبیرستان		جنسیت	
		به تفکیک جنسیت		کلی		شهر		روستا		دخترانه	پسرانه	پسر	دختر
بله	خیر	پسر	دختر	بله	خیر	مرد	زن	مرد	زن				
۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۵۶	۰/۴۴	۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۴۷	۰/۴۲	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۰

میزان گرایش به رابطه با جنس مخالف

بر اساس نتایج تحقیق، در بعد احساسی گرایش به رابطه با جنس مخالف، ۲۰ درصد به مقدار کم، ۵۴ درصد به مقدار متوسط و ۲۶ درصد به مقدار زیاد، گرایش به برقراری رابطه با جنس مخالف داشتند. در بعد شناختی رابطه با جنس مخالف، ۲۳ درصد به مقدار کم، ۵۴ درصد به مقدار متوسط و ۲۳ درصد به مقدار زیاد، گرایش به رابطه با جنس مخالف داشتند. در بعد رفتاری گرایش به رابطه با جنس مخالف، ۲۱ درصد به مقدار کم، ۵۸ درصد به مقدار متوسط و ۲۱ درصد به مقدار زیاد، گرایش به رابطه با جنس مخالف داشتند. در نهایت در رابطه با گرایش به ارتباط با جنس مخالف به صورت کلی، ۲۱/۳۳ درصد به مقدار کم، ۵۵/۳۳ درصد به مقدار متوسط و ۲۳/۳۳ درصد به مقدار زیاد، طالب برقراری به رابطه با جنس مخالف بودند.

جدول شماره ۳- توزیع درصدی پاسخگویان به میزان گرایش با جنس مخالف

کل	زیاد	متوسط	کم	ابعاد	
				درصد	احساسی
۱۰۰	۰/۲۶	۰/۵۴	۰/۲۰	درصد	احساسی
۱۰۰	۰/۲۳	۰/۵۴	۰/۲۳	درصد	شناختی
۱۰۰	۰/۲۱	۰/۵۸	۰/۲۱	درصد	رفتاری
۱۰۰	۲۳/۳۳	۵۵/۳۳	۲۱/۳۳	درصد	کلی

استفاده از انواع شبکه‌های اجتماعی به تفکیک جنسیت

با توجه به آزمون میانگین رتبه فریدمن، مشخص شد که دختران بیشتر از شبکه‌های اجتماعی، استفاده‌های به ترتیب، احساسی، سیاسی، روانشناختی، فرهنگی، مذهبی، سایر، علمی، طنز و ورزشی دارند. ولی پسران بر خلاف دختران، به ترتیب استفاده‌های ورزشی، سیاسی، احساسی، فرهنگی، مذهبی، روانشناختی، طنز، علمی و سایر می‌کنند. بنابراین با توجه به نتایج آزمون میانگین رتبه فریدمن مشخص شد که دختران و پسران در استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با یکدیگر اختلاف دارند. دختران بیشتر به سمت علایق احساسی-عاطفی و پسران به سمت علایق ورزشی، متمایل تر هستند.

جدول شماره ۴- آزمون معناداری تفاوت میانگین رتبه نوع مصرف موسیقی از دیدگاه پاسخگویان

دانش آموزان دختر		دانش آموزان پسر	
نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی	میانگین رتبه	نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی	میانگین رتبه
احساسی	۶/۴۴	ورزشی	۷/۱۳
سیاسی	۶/۳۴	سیاسی	۶/۲۵
روانشناسی	۵/۴۸	احساسی	۶/۰۳
فرهنگی	۵/۱۹	فرهنگی	۵/۸۰
مذهبی	۵/۱۵	مذهبی	۵/۷۰
سایر	۴/۵۵	روانشناسی	۴/۹۰
علمی	۴/۳۸	طنز	۴/۷۵
طنز	۴/۳۴	علمی	۴/۳۷
ورزشی	۴/۱۲	سایر	۴/۲۶
کای اسکوتر: ۸۵/۶۷ سطح معناداری: ۰/۰۰۰ درجه آزادی: ۸		کای اسکوتر: ۷۹/۶۶ سطح معناداری: ۰/۰۰۰ درجه آزادی: ۸	

گرایش به رابطه با جنس مخالف بر حسب وضعیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی

نتایج بدست آمده در جدول شماره ۵- نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آزمون T (۳,۴۳۳) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، تفاوت معناداری بین گرایش به رابطه با جنس مخالف بر حسب وضعیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در سطح خطای کمتر از ۰/۰۰۱ و سطح اطمینان ۹۹٪، وجود داشته است. به این معنا که عضویت در این شبکه‌ها می‌تواند یکی از عواملی باشد که باعث گرایش دانش‌آموزان به رابطه با جنس مخالف می‌شود.

جدول شماره ۵- گرایش به رابطه با جنس مخالف بر حسب وضعیت عضویت آن‌ها در شبکه‌های اینترنتی

وضعیت عضویت	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین گرایش	انحراف معیار	مقدار T	Sig
بله	۳۶۱	۹۸/۳۵۰۳	۱۹/۶۳۴۲۲	۳/۴۳۳	۰/۰۰۰
خیر	۳۹	۷۴/۳۱۱۳	۱۶/۹۶۶۸۲		

گرایش به رابطه با جنس مخالف بر حسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی

در فرضیه‌ی رابطه‌ی بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان مدارس شهر یاسوج، از آنجایی که هر دو متغیر، فاصله‌ای و توزیع داده‌ها نیز نرمال بود از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۶- آمده است، بین میزان استفاده از شبکه‌های اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان مدارس یاسوج، با توجه به مقدار ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، رابطه‌ی معناداری وجود داشت. بدین صورت که هر چه میزان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مدت زمان بیشتری را به خود اختصاص می‌داد گرایش به رابطه با جنس مخالف در هر سه ابعاد آن نیز بیشتر می‌شد.

جدول شماره ۶- همبستگی پیرسون گرایش به رابطه با جنس مخالف با میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

گرایش به رابطه با جنس مخالف	تعداد پاسخ‌گو	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
میزان فعالیت در شبکه‌های اینترنتی	۴۰۰	۰/۳۵	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیازی ذاتی دارند. مطالعات بیانگر آن هستند که مردم، به طور متوسط، ۷۰ درصد از اوقات خود را صرف ارتباط با دیگران می‌کنند و قسمت اعظم رفتار آنان تحت عنوان رفتار ارتباطی نامیده می‌شود. مبنای رفتارهای ارتباطی را عوامل مختلفی جهت می‌بخشد. روابط عاطفی و دوستی، در ارتباط با جنس مخالف، شرایط متفاوتی را پیش می‌آورد. زمانی که این ارتباط پیش از ازدواج برقرار شود به جهت پیچیدگی رابطه، ممکن است عواقب نامناسبی را در پی داشته باشد و به خصوص بر بهداشت باروری و سلامت روحی و روانی آنها، اثر سوء بگذارد. گرایش به رابطه با جنس مخالف با عوامل مرتبطی ارتباط دارد. در جامعه امروزی و با توجه به گسترش و فراگیری هر چه بیشتر وسایل ارتباطی الکترونیکی، روابط بین افراد، تغییر شکل داده‌اند. نوع رابطه و شدت رابطه تحت تأثیر تغییرات صورت گرفته، نسبت به گذشته تفاوت زیادی کرده است. با توجه به عضویت هر چه بیشتر جوانان و به خصوص دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نیز میزان فزاینده ارتباط با جنس مخالف و با علم به عواقب فرضی آن، این پژوهش به بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین دانش‌آموزان دو دبیرستان دخترانه و پسرانه شهر یاسوج پرداخت.

نتایج نشان داد که خیل عظیمی از آنها از گوشی‌های موبایل مجهز و هوشمند برخوردار هستند (جمعاً ۸۷ درصد از آنها). که از این مقدار، ۴۴ درصد آنها دختر و ۵۶ درصد از آنها پسر بودند. به علاوه اکثر این افراد به عضویت شبکه های اجتماعی اینترنتی درآمده بودند و در طول شبانه‌روز به استفاده از این شبکه‌ها می‌پرداختند. پسران بیشتر مطالب ورزشی و دختران بیشتر به دنبال کردن مطالب احساسی- عاطفی می‌پرداختند. در رابطه با گرایش به ارتباط با جنس مخالف به صورت کلی، ۲۱/۳۳ درصد به مقدار کم، ۵۵/۳۳ درصد به مقدار متوسط و ۲۳/۳۳ درصد به مقدار زیاد، طالب برقراری به رابطه با جنس مخالف بودند. که این مقدار نشان از گرایش فزاینده آنها به ارتباط با جنس مخالف را نشان می‌دهد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که عضویت در این شبکه‌ها می‌تواند یکی از عواملی باشد که باعث گرایش دانش‌آموزان به رابطه با جنس مخالف می‌شود. چرا که در گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین کسانی که در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، عضو و کسانی که عضو نبودند، رابطه معناداری مشاهده شد. بعلاوه نتایج تحلیل ضریب همبستگی پیرسون گرایش به رابطه با جنس مخالف بر حسب میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، نشان داد که هر چقدر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان بیشتر می‌شود، میزان گرایش به رابطه با جنس مخالف در بین آنها بیشتر می‌شود. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان گفت که میزان گرایش به رابطه با جنس مخالف، تحت تأثیر عوامل اجتماعی و بستر و زمینه اجتماعی و در اینجا استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، تفاوت می‌پذیرد. و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر این گرایش، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. لذا در جهت کنترل و نظارت بر رابطه دانش‌آموزان با جنس مخالف، بهتر است که ابتدا وضعیت استفاده آنها از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نظارت و کنترل شود تا راه برای پیش‌آمدها و عواقب ناگوارتر محدود شود.

منابع و مراجع

- [۱] احمدنیا، شیرین و مهریار، هوشنگ (۱۳۸۳)، "نگرش و ایده آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده"، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، با عنوان بررسی مسایل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- [۲] اسدی، عبدالله (۱۳۸۵)، "بررسی روابط دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه‌های شهر اردبیل"، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، سال ششم، شماره ۲، صص: ۱۱۴-۱۱۳.
- [۳] آزاد ارمکی، تقی؛ زند، مهناز و خزایی، طاهره (۱۳۷۹)، "بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و راهکارهای حمایتی"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، صص: ۲۹-۳.
- [۴] آزاد ارمکی، تقی و شریفی‌ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، "تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران"، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸، صفحه ۴۶۲-۴۳۵.
- [۵] جوکار، بهرام (۱۳۸۳)، "مقایسه نگرش دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و مهندسی دانشگاه شیراز به دوستی دختر و پسر"، مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۶] حسینی دولت‌آبادی، فاطمه و سعادت، سجاد (۱۳۹۱)، "بررسی ارتباط بین الگوهای فرزند پروری و گرایش به ارتباط با جنس مخالف در بین دانشجویان دختر دانشگاه گیلان (بررسی راهکارها و پیشنهادات)"، همایش ملی پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی بابل، صص: ۸-۱.
- [۷] دانشی، هادی (۱۳۹۳)، "بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر گرایش به رابطه با جنس مخالف (مورد مطالعه: جوانان ۲۹-۱۵ ساله شهر بهبهان)"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.
- [۸] دادگران، محمد (۱۳۸۵)، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، مروارید، چاپ علم، ص ۵۵.
- [۹] دفلور، ملوین (۱۳۸۳). شناخت ارتباطات جمعی. ترجمه‌ی سیروس مرادی، تهران: دانشکده‌ی صدا و سیما.
- [۱۰] رضوی‌دینانی، ابتسام، شریفی، هادی و علی‌بخشی، مجتبی (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی جوانان؛ مطالعه‌ی موردی شهر اراک". ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۹ و ۴۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹، صص: ۳۰-۴۷.
- [۱۱] رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود و میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱)، "بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان"، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال سوم، شماره ۱، صص: ۱۱۷-۱۳۴.
- [۱۲] زارع شاه‌آبادی، اکبر و سلیمانی، زکيه (۱۳۹۱)، "بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد"، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص: ۳۶۴-۳۳۹.
- [۱۳] سایت تابناک در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۹۳، قابل دسترس در:
[۱۴] <http://www.tabnak.ir/fa/news/423952>. [1393/05/20]
- [۱۵] سفیری، خدیجه و صادقی؛ مریم (۱۳۸۸)، "مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن"، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، صص: ۳۴-۱.
- [۱۶] سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۶)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۷] شولتز، دوآن (۱۳۸۴)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه؛ یوسف کرمی، فرهاد جمهر، سیامک نقشبندی، بهرام گودرزی، هادی بحیرایی، محمدرضا نیکخو، تهران: نشر ارسباران، چاپ پنجم.
- [۱۸] کریمی، یوسف (۱۳۸۴)، روان‌شناسی شخصیت، تهران: نشر پیام نور، چاپ یازدهم.
- [۱۹] کریمی، یوسف (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران: نشر ارسباران.
- [۲۰] کوزر، لوئیس (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- [۲۱] کوثری، محمدرضا (۱۳۸۳)، "بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران و ارائه راه‌حل‌های مسئله"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

- [۲۲] گرمارودی، غلامرضا؛ مکارم، جلیل، علوی، سیده شهره و عباسی، زینب (۱۳۸۸)، "عادات پر خطر بهداشتی در دانش-آموزان شهر تهران"، فصلنامه پایش، سال نهم، شماره اول، صفحه‌ی ۱۹-۱۳.
- [۲۳] گلزاری، محمود (۱۳۸۴)، "آموزش و مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف"، فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره اول، صص: ۱۲۲-۱۰۵.
- [۲۴] مازلو، آبراهام؛ اچ (۱۳۷۲)، انگیزش و شخصیت، ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۲۵] میرباقری، محمد (۱۳۸۱)، "نتایج پژوهش ملی در وضعیت و نگرش و مسایل جوانان ۱۹-۱۴ سال تهران"، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- [۲۶] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، "نتایج آمارگیری از کاربران اینترنت ۱۳۸۹". درگاه مرکز آمار ایران، در: http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/abstract/1389/n_IT_89.pdf. [۱۳۹۳/۰۲/۱۳].
- [۲۷] میرزایی، خلیل و برغمندی، هادی (۱۳۸۹)، "رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن"، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴، صص: ۱۵۸-۱۳۱.
- [۲۸] موحد، مجید؛ مقدس، علی اصغر؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۶)، "جوانان خانواده و جامعه پذیری"، مجله مطالعات جوانان. ش ۸ و ۹ ص ۵۲.
- [۲۹] موسوی، اشرف‌السادات (۱۳۸۶)، "بررسی انگیزه دختران جوان برای داشتن رابطه پیش از ازدواج"، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، قابل دسترس در:
- [۳۰] [Http://wrc.alzahra.ac.ir/tabid/373/articleType/ArticleView/articleId/797/Default.aspx](http://wrc.alzahra.ac.ir/tabid/373/articleType/ArticleView/articleId/797/Default.aspx). [1393/04/01].
- [۳۱] یوسفی، زهرا و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، "بررسی اثربخش آموزش روابط سالم با رویکرد یادگیری اجتماعی بر افزایش آگاهی دختران از روابط آسیب‌زای دختران و پسران"، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال نهم، شماره ۳۵ و ۳۶، صص: ۱۶۰-۱۵۳.
- [۳۲] ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۴)، "بررسی هویت دینی دانشجویان و رابطه‌ی آن با برخی عوامل اجتماعی: مورد مطالعه‌ی دانشجویان دانشگاه یاسوج"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.
- [33] BallRokeach, S., & DeFleur, M. (1976). "A Dependency Model of Mass-Media Effects". *Communication Research.*, Vol. 3, No. 1, January 1976, pp. 3-21.
- [34] Baran, S. J., & Davis, D. (2000). *Mass Communication Theory*. Thomson Learning, Ontario Canada.
- [35] Kim, J. & Hatfield, E. (2004). Love types and subjective wellbeing: A cross-cultural study. *Social Behavior and Personality*, 32(2), 173-182.
- [36] Salts, Connie J.; Seismore, Melisa D.; Lindholm, Byron W.; Smith, Thomas A. (1994). Attitude Toward Marriage and Premarital Sexual Activity of College Freshman, *Journal of Adolescence*, 29(116), 762-775.
- [37] Silva, Monica and Ross, Ines. (2002). "Association of perceived parental attitudes towards premarital sex with initiation of sexual intercourse in adolescence". *Psychology Report*, dec; 91(3 pt 1): 781-4.